

# شناخت قرآن ۲۶

عَلُو: مبالغه:

خداوند در آیه ۷۷ مائده سوره ۵ میفرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ  
وَلَاتَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

بگو ای اهل کتاب بناحق در دین خود غلو و کز افلونی نکنید ،

و از دلخواه دسته ای که قبلاً گمراه شده اند عده زیادی را گمراه کردند و از راه راست منحرف شدند میروی نکنید.

این دو ترمیم خداوند است. میدانیم که اهل کتاب یعنی یهودیان و مسیحیان در باره دین خود اغراق کونی و مبالغه کونی کردند و دین خود را تنها دینی دانستند که

راه راست زندگی را به آن نامی آموزد. در صورتی که گفته شده: «راه های خداشناسی و بطرف خدا رفتن به اندازه تعداد آن نامی است که در جهان وجود دارند.» قرآن کونست

در بحال امطابق آیه ۴۴ و ۴۶ مائده سوره ۵ «هدایت: راه های شایسته» و «نور: روشن کننده راه سعادت» معرفی میکند همانطور که قرآن راه هدایت و نور معرفی میکند.

ولی انسان از غلو و مبالغه خوشش نمی آید. همانطور که می بینیم در صحبت ایشان گاه و بیگاه با محاسبات صحبت میکنند و اگر از کسی نوشته ان بیاید درباره او غلو میکنند.

و اگر از کسی برشان بیاید در بگوئی از او غلو میکنند. در دین اسرائیلی نامی که از قول بزرگان دینی و علمی و هنری و دوزشی میکنند این غلو و مبالغه کونی را به راحتی می بینیم.

می بینیم که عیسی مسیح را به پادیه خدائی یا نیمه خدائی (پسر خدائی) می رسانند. در صورتیکه در مترا سرانجیل حتی اینجیل یوحنا چنین ادعائی و چنین حرفی را از مسیح نمی بینیم.

یوحنا در شماره ۳: ۱۷ مینویسد که مسیح به خداوند میگوید: «حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند.»

در مرقس در شماره ۲۹: ۱۲ کتاب خود مینویسد: عیسی مسیح در جواب یکی از کتابا ن گفت: «اول همه احکام این است که بشنوی امرائیل خداوند خدای ما خداوند

واحد است.» مسیح بعد از پسر خدا میداند همانطور که در باب ۶ اینجیل متی ۱۱: ۲۷ مردم مینویسد: «پدر شما» در مورد آموزش عیسا به آنان میفرماید: «پس شما اینطور دعا

کنید: «ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد.» و مینویسد که مینویسد: «ای پدر عیسی مسیح که در آسمانی» هر کس که دستورهای خدا را انجام دهد پسر خدا یا «بنده خدا» است

پس (پال) در شماره ۴: باب اول رساله اول خود به تیموتاؤس مینویسد: «فان نه و لقب نامه ای نامقنایمی را اصفا ننمایند که اینها مباحث را پدید می آورد، نه

آن تعمیر الهی را که در ایمان است.» متأسفانه مسلمانان هم به همین درد دچار شده اند و بجای همکاری در کتابا برای بخش یک بنی پاک سر مشایخی خیال بر راه انداخته اند

که در قرآن در کتاب الهی و اصلی مسلمانان، اثری از آن پیدا نمیکنند.

خراوند در آیه ۱۷۱ سوره م میفرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْتَوُوا فِي دِينِكُمْ، وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ،  
إِنَّمَا مَسَّحَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَلِمَةً الَّتِي أُوحِيَ إِلَيْهِ مِنَ رَبِّهِ.

بگو ای اهل کتاب در دینتان غلو نکنید و از قول الله سخنی بناحق نگوئید.

میخ عیسی ابن مریم فقط رسول خدا (الله) و کلمه او بود که به مریم القا کرد.

این آیه حقیقی را میگوید که همانطور که دیدیم عیسی مسیح در شماره ۳: ۱۷ بوضاحت میگوید که مسیح فرستاده خدا یعنی رسول او بوده.

تأسیفانه مسلمانان با غلو و مبالغه گویی عیسی خود را آن را از درجه بشری بالا و بالاتر برده و به حال فوق بشری و نیمه خدائی در آورده اند و این دستور صریح را زیر پا گذاشته اند.

تورینی از دروس گذشته، با دقت ترجمه کنید:

أَمْنَتُمْ بِهِ

كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ؟

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

بَدَلِ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

وَلَا تَسْأَلُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

إِسْتَعَاذُوا بِرَبِّكُمْ

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

تَرَكَّهُمْ فِي طَلَابِ لِيُبْهَرُونَ

لَا يَجْعَلُوا لِلَّهِ إِندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

لَا تَحْزَنْوا عَلَى مَا قَاتَلْتُمْ

جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا آمَنُوا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟

إِذَا حَلَلْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْلُوا بِالْعَدْلِ

لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

الْفُقَرَاءُ مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ

إِنِّي آخِطُ مِنَ الطَّيِّبِينَ لَهَيْئَةِ الطَّيِّبِ